

بررسی و تحلیل ولایت عهدی در سیره امام رضا علیهم السلام – سید محمد رضا حسینی جلالی / مترجم: فهیمه فهیمی نژاد

### فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دهم، شماره ۳۹ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، تابستان ۱۳۹۲، ص ۶۳-۸۲

## بررسی و تحلیل ولایت عهدی در سیره امام رضا علیهم السلام

\* سید محمد رضا حسینی جلالی \* مترجم: فهیمه فهیمی نژاد\*

**چکیده:** مسئله ولایت عهدی امام رضا علیهم السلام از جنبه‌های مثبت (مورد نظر امام) و از جنبه‌های منفی (مورد نظر مأمون) قابل بررسی است. برگزاری جلسات مناظره‌های علمی با دانشمندان، فرقه‌ها و مذاهب دیگر برای مشغول ساختن علمای دربار به اموری بود تا آنها را از فکر کردن تصرفات دستگاه خلافت دور سازد. اگر امام علیهم السلام در مناظره موفق می‌شد، افتخاری برای حکومت مأمون محسوب می‌شد و اگر شکست می‌خورد، خط بطلانی بر دعوی شیعه به امامت ایشان می‌بود. امام رضا علیهم السلام در دوران ولایت عهدی، پایه‌های مذهب شیعه را استوار کرد و در مناظره‌ها، معجزات علمی خویش را آشکار ساخت و با هر دین و کتابی به زبان و کتاب خودش احتجاج کرد. مهمترین هدف مأمون در پیشنهاد ولایت عهدی، ظاهرسازی و حل و فصل امور به نفع خودش بود. دلایل امام علیهم السلام برای پذیرش آن و موضع گیری آن حضرت، آثار مثبت و پر خیر و برکتی برای مردم، شیعیان و علمای شیعه داشته است. امامت امام علیهم السلام ربطی به قیام او ندارد. امام، امام است چه قیام کند و چه قیام نکند.

**کلید واژه‌ها:** امام رضا علیهم السلام / ولایت عهدی / مأمون / مناظره‌های علمی / پذیرش ولایت عهدی / نتایج ولایت عهدی / قیام امام علیهم السلام / امامت.

\* درباره نویسنده در شماره ۳۴ سفینه توضیحاتی آمده است.

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب و استاد مدعو دانشگاه آزاد تهران مرکزی.

FahimeFahiminejad@gmail.com

## ۱- بیان مسئله:

موضوع اصلی این مقاله، بحث پیرامون زندگی دوازده امام است که به حق از جانب پیامبر براساس نصوص متواتر، جانشینی و ولایتشان اثبات شده است. مهمترین نکته‌ای که در این بحث نمایان می‌گردد، دیدگاه ائمه و موضوع‌گیری آنان در مقابل حاکمانی است که بر امت اسلامی مسلط شده‌اند. آنان به خاطر شرعیت و قداست دادن به کار خویش خود را خلیفه و ائمه مؤمنین و یا تعبیری از این قبیل اسمی و عناوین موجه می‌نامند. در طول تاریخ برای کشف این جانشینی و پاسخگویی به هر عاملی که حقیقت امر را آشکار سازد، تلاش‌های زیادی صورت گرفته است.

یکی از مواردی که از دیر باز بحث می‌انگیزد، گفتگوهایی پیرامون پذیرش ولایت عهدی توسط امام هشتم علی بن موسی الرضا<sup>علیهم السلام</sup> است که در کتاب‌های تاریخی و گفتارهای مورخان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و صحت و سقم آن در آراء دانشمندان باریک بین و تحلیل حوادث تاریخی قابل اعتماد و پذیرش است.

مؤلف این مقاله را براساس سه گفتار جداگانه که در طی سالها و فاصله زمانی طولانی نوشته، در یک مجموعه گرد آورده است که عبارتند از:

۱- مطالب ایراد شده در سخنرانی همایش جبل عامل برای طلاب لبنانی در حوزه علمیه قم به تاریخ ۱۴۱۴/۱۱/۱۱ با عنوان: "اهداف و موافع".

۲- مقاله نوشته شده پیرامون ولایت عهدی امام رضا<sup>علیهم السلام</sup> در کربلا به تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۰ با عنوان: "اسباب و نتایج".

۳- مقاله‌ای که در پاسخ به سوالی پیرامون "قیام امامان و موضوع گیری آنان با خلفاء" در قم به سال ۱۴۳۴ منتشر شده است.



این مقاله به شیوه مسأله پژوهی و با محوریت "ولایت عهده امام رضا علیهم السلام" سامان گرفته است. نویسنده پس از معرفی امام رضا علیهم السلام و تحلیل شرایط زمانی و مکان عصر امامت ایشان به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

- ۱- اهداف امام علیهم السلام از پذیرش ولایت عهده چه بوده است؟
- ۲- چه موانعی قبل و بعد از پذیرش ولایت عهده بر سر راه امام قرار داشته است؟
- ۳- دلائل پذیرش ولایت عهده امام چه بود؟
- ۴- پذیرش ولایت عهده امام چه آثاری بر وضعیت مسلمانان و جامعه هم عصر امام داشت؟
- ۵- چرا در میان امامان شیعه امام رضا علیهم السلام اقدام به ولایت عهده نمود؟

#### ۲- کلیات:

مطلوب بسیاری در کتب اصیل تاریخی و روائی درباره امام رضا علیهم السلام آمده است. آنچه که در دوران امامت ایشان، پر رنگتر از سایر اقدامات حضرت نمایان است، یکی مسئله ولایت عهده و دیگری مناظراتی است که بین امام و پیروان ادیان و مذاهب و اندیشمندان صورت گرفته است. طبیعی است که وقتی زوایا و ابعاد مختلف مسئله اول بررسی گردد، بررسی امر آسان‌تر خواهد شد. بهتر است بحث با معرفی شناسنامه‌ای حضرت و بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان حضرت آغاز شود تا در میان بحث ابهامی پدید نیاید.

#### خصوصیات خانوادگی و فردی امام علیهم السلام

نام: علی

نام پدر: امام کاظم علیهم السلام ابوالحسن

نام مادر: تکتم، ام البنین، التوبیه

ولادت: ۱۱/ذی القعده/ ۱۴۸

شهادت: ۲۹/ صفر/ ۲۰۳ (به عقیده شیخ کلینی در تاریخ شهادت اختلاف نظر وجود دارد، ولی صحیح ترین تاریخ، تاریخ مذکور است)

کنیه: ابوالحسن (در احادیث و متون، ابوالحسن ثانی نوشته شده است)

القب: رضا (مشهورترین)، صابر، وافی، مکيدة الملحدین

### ۳- شاخصه‌های اصلی عصر امام رضا علیهم السلام

در عصر امام رضا علیهم السلام مسائل خاصی روی داد که زمینه ساز تصمیمات بعدی ایشان گردید.

مهتمرین مسائل عبارتند از:

۱- پدید آمدن شکاف وسیع در دربار عباسی، آن هم بعد از گذشت سالها رشد و توسعه، هم زمان با آغاز حکومت دیکتاتوری مأمون در سرزمین خراسان.

۲- بر جستگی عصر امام به شکوفائی علمی، درخشش فرهنگی، رفع تشنج سیاسی و آزادی عقیدتی برای فرقه‌گرایان و اندیشمندان ادیان مختلف.

۳- ظهور شکاف عمیق بین شیعیان امامیه پس از وفات امام کاظم علیهم السلام با، دعوی گروهی از بزرگان طائفه "واقفیه" و عدم پذیرش ولایت و امامت امام رضا علیهم السلام.

امام رضا علیهم السلام در عصر خویش با این موارد مواجه شد، با تمام قوا در دفع خطرات آن کوشید و توانست با وجود تمام مشکلات، به وظیفه خویش عمل کند. البته گفت و گو پیرامون مسئله سوم و مشکلات واقفیه احتیاج به بحث طولانی و مجالی مستقل دارد که اینجا به آن نمی‌پردازیم.

### ۴- اهداف و موانع در مسئله ولایت عهدی

کشمکش در دربار عباسی و هجوم آراء و عقاید مختلف فکری در این دوره، به اقداماتی از جانب مأمون منجر شد که به شرح زیر است:

## ۱-۴. مسئله ولايت عهدي

ولايت عهدي امام رضا علیه السلام جنبه های متعددی دارد، هم از جنبه های منفي يعني آنچه که مد نظر مأمون بود ديگري جنبه های مثبت که امام در خلال پذيرش چنین مقامي آنها را به دست آورده است.

واضح است که مأمون از پيشنهاد ولايت عهدي به امام رضا علیه السلام انگيزه های خاصی داشت که با وجود ذکاوت و هوش سرشارش، از رسيدن به اهداف خویش عاجز ماند. از جمله اين اهداف:

۱-۱. او می خواست بدین وسیله برای کسانی که در صفت برادرش محمد امین ایستاده بودند، قدرت نمائی کند. لذا در مقابل برادر خود که حکم انتصاف او از طریق هارون الرشید و بطور رسمي صادر شده بود، خروج کرد. مأمون پس از کشتن امین، به کمک ایرانیان با تمام قوا در خراسان به قدرت رسید. در واقع پيشنهاد ولايت عهدي و پذيرش آن توسط امام، تهدیدي بزرگ برای عباسیان بود. او با اين کار، عباسیان را به کرنش و داشت، زيرا عباسیان می ترسیدند حکومت به دست علویان يعني امام رضا و پس از ایشان امام جواد علیه السلام بیفتند.

۲-۱. تفرقه و پراکندگی در جماعت شیعه علوی و پیروان اهل بیت، آهنگ فتنه در بين آنها، تردید افکنند در عقیده امامت به سبب ورود امام علیه السلام در سایه حکام مدعی مقام امامت، از اهداف مهم مأمون بود. اين مطلب در فرهنگ شیعه امری شگفت انگيز و تازه بود و با باورهای آنان از شیوه امامت منافات داشت، چرا که ائمه همواره ادعای خلفاء را برای مقام خلافت به طور علنی باطل می ساختند، و همیشه در طول تاريخ حاكمان با اهل بیت با قساوت و سنگدلی برخورد کردند و پیروان آنان را تا سر حد امكان و با هر نوع از شکنجه مورد اذیت و آزار قرار داده اند.

پس اگرچه امام علیه السلام در پذیرش ولایت عهدی عوامل و انگیزه‌های خود را داشتند، ولی به خلافت عباسی ظاهرًا وجهه شرعی می‌بخشید. این مطلب برای بعضی از شیعیان قابل هضم نبود، به ویژه کسانی که پایبند به اندیشه واقفیه<sup>۱</sup> بودند. این مطلب به رنجش آنها افزود و سبب تمرد و سریچی آنان شد. آنان از قویترین و بادوام‌ترین گرایش‌های مذهبی بودند تا این که در قرن پنجم به کلی منقرض شدند.

۴-۱-۳. هدف دیگر مأمون، شیوع افکار واردہ به جامعه بود که به بهانه تشویق به فضای باز فکری و به واسطه سلطه‌طلبی در اثر فتوحات اسلامی پدید آمده بود، بخصوص سرزمهنهایی که خودشان فرهنگ غنی و سابقه درخشنان داشتند. مسائل، احکام و سنن، آموزه‌های اسلام با عملکرد خلفاً مغایرت داشت. بنابراین مخالفان به فعالیتی وسیع دست زدند: از یک طرف شک و شبیه در عقاید مسیلمین افکنندن، از طرف دیگر با یهودیان، نصاری و زرتشیان جدل و مناظره داشتند. این پدیده آثار منفی خاصی برای مردم داشت که مأمون خطر آن را احساس کرد و امام را به ولایت عهدی برگردید تا این خطر توسط امام کنترل و هدایت شود.

#### ۴-۲. مساله مناظره‌ها و بحث‌ها

مأمون جلسات مناظره بین دانشمندان فرقه‌ها و مذاهب دیگر بر پا می‌کرد. این جلسات بین چهار گروه از طبقات اندیشمند جامعه بودند:

الف. مسلمانان نسل جدید که با فتوحات اسلامی به جامعه اضافه می‌شدند.

ب. مسلمانان و ادیان قدیمی موجود در سرزمینهای اسلامی

ج. گرایش‌های فکری و منحرف شده از دین اسلام

د. صاحبان افکار و اندیشه‌های وارد شده از خارج

۱. فرقه‌ای از شیعیان علوی بودند که امام موسی کاظم را آخرین امام شناختند، رحلت امام هفتم را انکار کرده و امام را مهدی قائم دانسته و معتقد بودند امام برای قیام زنده است و به همین دلیل واقفیه نامیده شدند. (متترجم) [دهخدا، لغت نامه/ ج ۱۵، ص ۲۳۰۹۴].

مأمون توانایی امام را از زمان پدرش هارون می‌شناخت و امام رضا علیهم السلام را شخصیتی ماهر و چیره دست در رویارویی با همه اندیشمندان یافته بود. پس با برگزاری مجالس مناظره و احتجاج، می‌توانست هم موج اندیشه‌های موجود در جامعه را مهار کند و هم امام را با تصدی و پرداختن به امور حکومت سرگرم نماید، زیرا – با محاسبه خود – حتماً به یکی از اهداف خود می‌رسید که عبارتند از:

۱-۲-۴. یا امام می‌توانست به این مخالفان پاسخ دهد و آنها را شکست بدهد. در این صورت برای مأمون و حکومتش افتخاری بود که ولی عهدی که او انتخاب کرده و به حساب او، از عناصر حکومت و خلافت است، مخالفان را شکست دهد.

یا اینکه امام شکست می‌خورد و نمی‌توانست بر موضع آنها غلبه کند پس در رویارویی با آنها خود را کنار می‌کشید و مخالفان بر او برتری می‌یافتدند. این خود خط بطلانی بر دعوی شیعه به امامت ایشان و قضاوت به زیان مذهب شیعه و گروه شیعیان متعهد به امام بود.

۲-۲-۴. در هر صورت، مأمون ولی عهد را از داخل شدن در مسائل حکومت و ارتباط با عموم مردم و حل مشکلات و رفع معضلات آنها باز می‌داشت، مبادا نزد مردم محبوبیت کسب کند و خطری برای نظام شود.

۳-۲-۴. با این ترفند اغفالگرانه، علمای دربار و وعاظ سلاطین هم مشغول اموری شدند که آنها را از فکر کردن به تصرفات حاکم و دستگاه خلافت دور می‌ساخت، مثل اندیشه "خلق قرآن"<sup>۱</sup>. آنچنان دانشمندان درگیر این مسئله بیهوده شدند که به خاطر

۱. خلق قرآن یا حدوث و قدم و یا مهنه، یکی از بحث‌های کلامی– عقیدتی پیرامون قرآن است. به این معنی که قرآن چون کلام خداست همانند صاحب خود قدم است و یا مانند سایر مخلوقات حادث است. این بحث در قرن سوم هجری بازتاب اجتماعی پیدا کرد که آغازش در عصر هارون الرشید و اوج آن در عهد مأمون و پایانش در عصر متوكل بود. و این مأمون بود که بخاطر اعتقاد به معتزله، نقیش عقاید شدیدی به نام مهنه برپا کرد. مترجم [خرمشاهی، داشتامه / ج ۱، ص ۹۱۸].

همین قضیه به هم اتهام کفر می‌زدند. کار به آنجا رسید که از مسائل پیرامونشان در کشور، مردم، گرفتاریها و ظلم و فساد غافل شدند.

### ۳-۴. دیدگاه امام مقابله‌های مأمون

امامت امام رضا علیه السلام برای اجرای دستور خداوند و رسیدگی به امور دین و دنیا مردم واجب است. لذا به خوبی توانست علیرغم اهداف و اندیشه‌های مأمون، وظیفه خود را در استحکام اسلام و اصول آن با دوراندیشی برساند و خیالبافی‌های مخالفان را با تمام جهت‌گیری‌ها خنثی کند.

تصدی و مهاراین امر، خود دلیلی بزرگ برای اثبات امامت ایشان بود. حضرتش در خلال مدت ولایت عهدی پایه‌های مذهب شیعه را استوار کرد تا از نظر عقیدتی، دینی و اندیشه مداری، درست مطابق با اسلام و متناسب با زندگی کریمانه و آزاد باشد. براساس اسناد موجود از مجالس مناظره و مباحثه، امام معجزات علمی خویش را آشکار ساخت، دانشمندان را متحریر و میهوت داشت، و برتری و حقانیت خویش را برای منصب امامت و خلافت اثبات کرد.

به هر حال امام رضا علیه السلام اهداف و تدبیر مأمون را وارونه کرد. در پی آن، امور مطابق مصلحت اسلام اجرا شد و امامت حقه امام نیز ثابت گردید.

امام در مقابله با ادیان غیر اسلامی و مناظره با اهل کتاب‌اعم از یهودی، نصرانی و زرتشتی - شاهکار خود را نشان داد، چرا که با اهل تورات به تورات، با اهل انجیل به انجیل و با هر دین و کتابی به زبان و کتاب خودش احتجاج کرد. اینک به یک نمونه از احتجاجات ایشان اشاره می‌شود:

امام علیه السلام برای سرکرده نصرانی‌ها براساس متن "انجیل" از سفر سوم انجیل یوحنا حجت آورده و آشنایی خود را به تورات و تاریخ بنی اسرائیل نشان داده است. همین طور به نصّ دیگری از کتاب شعیا احتجاج کرده که در آن، از پیامبر عظیم الشأن یاد شده و

ترجمه عربی عبارت آن چنین است: "رأيت راكبين أضاء لهم الأرض: أحدهما على حمارٍ والآخر على جملٍ" (دو سوار را دیدم که زمین بخاطر وجودشان روشن شد: یکی از آنها سوار بر الاغ و دیگری سوار بر شتر)

امام رضا<sup>علیه السلام</sup> سوار بر الاغ را حضرت عیسی و سوار بر شتر را حضرت محمد<sup>صلی الله علیہ وسلم</sup> تفسیر نمودند. بدین سان امام رضا<sup>علیه السلام</sup> توانست در دوره ولایت‌عهدی خویش، آراء و عقاید را در زمینه‌های مختلف دینی به اطلاع دیگران برساند و آن را در بین ملت‌ها به صورت علنی و در سطح گسترده اشاعه دهد. در همین دوره کوتاه ولایت‌عهدی فعالیتهای تبلیغی شیعه افزایش یافت. و دانشمندان سادات امکان یافتند که در همه جای کشور گسترده شوند و معارف‌شان را در میان مردم ریشه‌دار کنند. بزرگترین دلیل اثبات این امر، آرامگاه‌های بسیاری از نسل اهل بیت است که در جای کشی کشور وجود دارد. این مزارها گواهی می‌دهد که تشیع در هر منطقه که آرامگاه یکی از اهل بیت آن‌جاست، به آن اعتبار بخشیده است.

علاوه بر این امام رضا<sup>علیه السلام</sup> توانست توجه خاصی به دانشمندان داشته باشد و آنها را به کار جدی برای تبلیغ دین حق بگمارد و آنها را به مسیر حقیقی از کوتاهترین، ایمن‌ترین و مطمئن‌ترین و صحیح‌ترین راه - یعنی راه اهل بیت - هدایت کند.

از زیباترین سخنان ایشان در این مورد، آن‌جاست که امام<sup>علیه السلام</sup> فرمودند: "رحم الله عبداً أحياناً أمرنا: يتعلّم علومنا و يعلّمها الناس، فإن الناس لو عرفوا محاسن كلامنا لاتبعونا"<sup>۱</sup> (خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیا کند: علوم ما را بیاموزد و آن را به مردم آموزش دهد، زیرا حقیقتاً اگر مردم محاسن سخنان ما را می‌فهمیدند حتماً از ما پیروی می‌کردند)

۱. رساله‌ی حقوق از کتاب عهد قدمی. در نسخه‌های جدید به جای "راكبين"، الرکبین چاپ شده است. (طبرسی، احتجاج / ج ۲ / ص ۴۲۲).

۲. فیض الاسلام، بنادر البحار / ص ۱۶۲.

مسلمًا پایه گذاری این روش برای دعوت صحیح توسط امام، با وجود کشمکشها و اختلافها، بهترین روش بود که امام آن را به شیعیان خویش نشان داد. این مسئله توجه ایشان را به علم دین و یاددهی و یادگیری آن نشان می‌دهد. ایشان به کسب علم از منابع معتبر و رجال مؤتّق تأکید می‌کنند تا خواستار علم و دانش، بر پایه اصول و قواعد محکم و روشن این از خطأ و لغزش تکیه کند و با ایمان و اعتقاد به کار خود، در مسیر خود راه پیماید. حضرتش این حدیث را سرمشق خویش قرار دادند که پیامبر فرمودند: "رحم الله امرءاً عمل عملاً فأتقنه"<sup>۱</sup> (خداوند رحمت کند انسانی را که کاری را انجام دهد و آن را صحیح و استوار سامان دهد)

در حقیقت مقام ولایت عهدی برای امام رضا علیه السلام شرایطی مهیا ساخت که امام به اهداف خود دست یابد.

#### ۴-۴. خدماتی که امام در جایگاه ولایت عهدی انجام داد

امام در حد امکان و در جایگاه امامت و براساس علم و تقوی و شروطی که در پیمان ولایت عهدی ذکر شده بود، بهترین نقش را ایفاء نمود. شاهد بر این حقیقت، میزان تأثیر ایشان در نظام عباسی و خصوصاً شخص مأمون بود، تا آنجا که منجر به شهادت حضرتش به دست مأمون گردید.

به حق امام در مسأله ولایت عهدی به گونه‌ای عمل کرد که:  
اولاً: به وظیفه‌ی خود در مقابل حاکم ستمگری که بیم خطر از جانب او می‌رود، با تقيه عمل کرد.  
ثانیاً: به بهترین شکل ممکن، به وظیفه تعیین شده به عنوان امام عمل کرد.

۱. حسکانی، شواهد الننزیل / ج ۱، ص ۵.

ثالثاً: برای دانشمندان امت خویش و دعوت‌کنندگان به مذهب اهل بیت و تشیع، الگوئی تبیین کرد تا هر کس در چنین موقعیتی قرار گرفت، بداند چگونه عمل کند.  
حال خواننده می‌تواند قضاوت کند که چگونه ممکن است دوراندیشی امام با حب به  
جاه و مقام با هم جمع شود؟

### ۵ - دیدگاه امام رضا علیه السلام در مقابل ولایت عهدی (دلائل و نتایج)

پدیده پذیرش ولایت عهدی یکی از رویدادهای بزرگ تاریخی است که با تصویری غیر واقعی و علل ناشناخته باقی مانده است. اگر دلائل و نتایج این رویداد تحلیل نشود ممکن است درست انکاس نیابد و افراد را به باطل بیندازد و پرسش‌هایی پیش‌اید، مانند این که:

۱- رمز موضع گیری امام چیست؟

۱- چرا امام چنین تصمیمی گرفت؟

۳- نتایج حاصل از پذیرش آن کدام است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا باید شرایط زمانی و مکانی امام و سپس دلائل و نتایج حاصله از این پیمان توضیح داده شود.

#### ۱- موقعیتهای امام

موقعیتهای امام به دو گونه است: مکانی و زمانی.

۱-۱- موقعیتهای مکانی: امام علیه السلام دو پشتوانه قوی داشتند که امپراتوری عباسی را تهدید می‌کرد: یکی سرزمین فارس و ایرانیان بودند که از دیر باز اهل بیت را شناخته بودند و خلافت را زینده آنان می‌دانستند. دیگری سرزمین جزیره عربی بود که به اهل بیت تمایل داشتند و هر کرامت و فضیلتی را در آنها می‌یافتدند و به خاطر علم، برداری، پارسایی، سخاوت، شکوه و نورانیت بدون هیچ دشواری به آنها گرایش داشتند.

درست در همین زمان ملت مسلمانان با شیادی خلافت و اعمال اهداف شخصی خلفاء، نظام اسلامی را به خطر می‌انداخت. حاکمان بنی عباس با تولید نامیدی در مردم نسبت به عدالت اسلام، تنفر از نظام رشت خود را می‌افروزند. پس حضور امام به عنوان امام و پیشوای شیعه، دستی قوی و پشتونهای محکم در سرزمین اسلامی شد.

**۱-۵. موقعیت‌های زمانی: امام علی<sup>ع</sup>** در زمان هارون الرشید زیسته که بارها در حق اهل بیت ظلم کرده و آرام و قرار را از سرزمینهای اسلامی گرفته بود. این حق کشی‌ها و فشارها ادامه داشت تا با پذیرش ولایت عهدی جانهاشان تسکین یافت، شوکت و قدرتشان فزونی یافت و ظلم و استبداد آنان نسبت به علویان بر ملا شد. این شرایط جزء مواردی بود که مأمون با در نظر گرفتن آن، ولایت عهدی را به امام پیشنهاد کرد.

## ۲-۵. هدف مأمون از پیشنهاد ولایت عهدی

نخستین و مهمترین هدف، ظاهر سازی مأمون در مقابل مردم و حل و فصل امور به نفع خودش بود. ولایت عهدی امام رضا<sup>ع</sup> و سیله‌ای برای حل تمام مشکلات پیش رو بود. به طور خلاصه اهداف او عبارتند از:

**۱-۲-۵. دلجویی از ملت: ایرانیها نسبت به اهل بیت تعصب داشتند.** پس مهمترین هدف مأمون، استیلاه بر سرزمین فارس بود. به همین دلیل ناچار بود آنها را راضی نگه دارد. پس به نیت دلجوئی از آنان ولایت عهدی را به امام علی<sup>ع</sup> داد.

**۲-۲-۵. دلجویی از علویان: علویان هم که از دیر باز وارد کشورهای اسلامی شده بودند، در سرزمینهای دیگر پراکنده شده و توانسته بودند قلب ملت‌های دیگر را به دست آورند. پس مأمون با ولایت عهدی امام توانست آنها را به سمت خود جلب کند و از جانب قیام احتمالی آنها در امان بماند. زیرا پخش شدن و زیاد شدن آنان حکومت را تهدید می‌کرد.**

۳-۲-۵. کفاره جرم‌های پدرش هارون: هارون ظلم و فشار نسبت به علویان به ویژه ائمه اهل بیت را از حد گذراند. هر چه بیشتر می‌گذشت، کینه نسبت به او در دل دوستداران اهل بیت بیشتر می‌شد. پس مأمون با پیشنهاد خویش موقتاً توانست انگیزه انتقام را از بین ببرد و خشم و کینه را خاموش کند.

۴-۲-۵. تحقیر امامت امام: مأمون از فرآیند ولایت‌عهدی استفاده کرد تا جایگاه و منزلت امام را در کشورهای اسلامی پایین آورد، و به امامت ایشان لطمه زند. زیرا امام همچون پدرانش به زهد و پارسائی نسبت به دنیا و دروی از کسب جاه و مقام مشهور بود. مأمون خواست با ولایت‌عهدی به مردم اعلام کند که کناره‌گیری امام فقط به خاطر این است که دنیا از امام روی گردانده است. این مطلب به صراحت در بیانات امام رضا علیه السلام در گفتگو با مأمون بیان شده است.

امام به مأمون فرمود: من می‌دانم تو چه می‌خواهی. مأمون پرسید: چه می‌خواهم؟ امام علیه السلام فرمودند: می‌خواهی مردم بگویند که علی بن موسی الرضا از دنیا کناره‌گیری نکرده، بلکه بدان روی آورده است. آیا ندیدید که چگونه به خاطر طمع، خلافت را قبول کرد<sup>۱</sup>.

۵-۲-۵. شجاع شدن در مقابل عباسی‌ها: مأمون با سپردن امر ولایت‌عهدی به امام، توانست با عباسی‌هایی مقابله کند که تصمیم داشتند در موارد متعدد از او انتقام بگیرند. زیرا شرایط به گونه‌ای بود که: اولاً: ایرانیها بر اقتدار کشور و تولیت امور مملکتی و به دست گرفتن پستها سلطه یافتند.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه / ج ۱۷، ص ۲۰۴.

ثانیاً: آزادی علیان و پخش شدن آنها مسئله‌ای بود که عباسی‌ها را می‌ترساند. پس مأمون توانت با ائتلاف بیت علیان و ایرانیان، پایه‌های حکومت خود را تقویت کند و مانع خطر عباسی‌ها شود.

### ٣-٥. موضع گیری امام و نکات مثبت پذیرش ولايت عهدي

امام علی<sup>علیه السلام</sup> در مقابل مأمون دو موضع می‌توانت داشته باشد: یا پذیرفت و یا کشته شدن. زیرا مأمون ابتدا کوشید که امام امر خلافت را به عهده بگیرد، اما امام با استدلال قوی آن را نپذیرفت. وقتی مأمون نامید شد، به پیشنهاد ولايت عهدي به ایشان متول شد. اما امام از نینگ و مراد مأمون آگاه بود؛ لذا موضع او عدم پذیرش ولايت عهدي بود. این بار مأمون امام را به قتل تهدید کرد.

امام علی<sup>علیه السلام</sup> در پرسش دلیل پذیرش ولايت عهدي می‌فرمایند:

"خداؤند تنفر مرا نسبت به آن می‌دانست. پس وقتی بین پذیرش آن و مرگ مختار شدم، قبول ولايت عهدي را بر مرگ ترجیح دادم و آن را برگزیدم"<sup>۱</sup>.  
مأمون هم در گفتگوی طولانی با امام می‌گوید: "به خدا سوگند که باید ولايت عهدي را بپذیری، و گرنه تو را مجبور می‌کنم. و اگر آن را نپذیری، گرددت را می‌زنم".<sup>۲</sup>

### ٤-٥. چرا امام شهادت را به قبول ولايت عهدي ترجیح نداده است؟

در این امر اسراری وجود دارد:

الف. امر الهی که امام در اوج عبودیت بدان پای بند بود.

ب. پذیرش ولايت عهدي برای ایشان آثار سودمندی داشته که نتایج آن به حق و اهل آن خیر می‌رساند و راه غدر و بھانه را قطع می‌کند. نتایج مورد نظر عبارتند از:

۱. صدقون، عيون اخبار الرضا / ج ۲، ص ۱۴۰.

۲. همان.



۵-۴-۱. آزاد شدن علویها از فشارهای سخت. بسیاری از آنها با هلاکت و یا با آوارگی به نابودی کشیده شدند. اما قبول ولایت عهدی توسط امام باعث شد که آزار متوقف شود. پس به شیعیان و دوست داران اهل بیت فرصت داده شد.

۵-۴-۲. امام در این دوره اقدام به انتشار معارف حقیقی الهی نمود و توانست ثابت کند که امر خلافت پس از پیامبر فقط باید در دست اهل بیت اثبات باشد. نیز سنتهای محمدی را مثل اقامه نماز روز عید احیاء کرد که شرح آن در کتب تاریخی و احادیث آمده است. (جزایری، ریاض الانبیار فی مناقب الانبیاء الاطهار/ج ۲، ص ۳۶۸)

۵-۴-۳. علماء شیعه از طریق اتصال به اهل بیت توانستند به علوم بیشماری دست یابند. تکالیف شرعی و احکام دینی خود را آزادانه بشناسند و با بهره‌گیری از گنجینه‌های نهفته امام، آثار ارزشمندی به جا بگذارند.

#### ۵-۵. شروط امام علی برای پذیرش ولایت عهدی

بین امام و مأمون پیمان نامهای در سال ۲۰۱ هجری (پنجم یا هفتم ماه رمضان) بسته شد و امام شروطی برای پذیرش این مسئله گذاشتند. بخشی از آن چنین است که: "احدى را نصب نکنم، احدى را عزل ننمایم..." (صدق، عيون اخبار الرضا / ج ۲، ص ۱۴۰)

مأمون هم به صرف موافقت لفظی و ظاهری امام خشنود بود و فکر می‌کرد به اهدافش می‌رسد. بدین روی جشن گرفت، مردم را به پوشیدن لباس سبز (نماد علویان) و ترک لباس سیاه (نماد عباسی‌ها) امر کرد، به نام امام سکه زد، برای رضایت زیر دستان خود هزینه زیادی خرج کرد، کسانی را که مقاومت کردند و بیعت ننمودند زندانی کرد، دستور داد در سراسر کشور به اسم امام خطبه خوانده شود و اسم امام در کنار اسم خودش در خطبه بیاید، شاعران را روانه ساخت و برای مدح امام به آنها صله داد. کار، به همین منوال گذشت تا اینکه خطر نزدیک شد. وقتی مأمون با نقشه ولایت عهدی نتوانست به اهداف فریبکارانه خودش برسد، کم کم حسادت در او برانگیخته شد. به

خاطر علم سرشار، روش نیکو، دانش در تدبیر و قداست و شایستگی حضرتش برای این مقام امامت الهی، کینه مأمون شعله ور شد، خواسته درونی را آشکار کرد و تصمیم گرفت خود را از وجود امام خلاص کند.

لذا در سال ۲۰۳ وجود مقدس امام را نابود ساخت و کوشید آن ستاره درخشان را خاموش کند. اما نه تنها نور ربانی حضرتش خاموش نشد، بلکه امام به خاطر عظمت، جلالت و قداست در عمق جانهای مشتاق حق جاودانه شد. حتی بارگاهش مکان مقدسی شد که خواستاران از هر طرف به او پناه می‌آورند، در حالی که از مأمون چیزی باقی نماند غیر از ستمها و خیانتهایی که صفحات تاریخ را سیاه نموده است. و امام علی<sup>ع</sup> در طول تاریخ در یاد و خاطر مسلمانان جاودانه شد. "سلامُ علیه یوم ولد و یوم مات و یوم برجع و یوم یحشر حیاً"

#### ۶- امامت و اختلاف نقش‌ها در قیام ائمه و تفاوت موضع گیری آنان

۱- این بحث در پاسخ به این سوال نوشته شده که: چرا بین دوازده امام، تفاوت‌هایی در اجرای شیوه امامت وجود دارد؟

مثلاً حضرت علی علی<sup>ع</sup> در طول سلطه خلفای سه‌گانه گوشنهشینی کرد تا اینکه بعد از آنها در سال ۳۶ ولایت را به عهده گرفت، سپس در برابر مخالفان در جنگ جمل، صفین و نهروان ایستادگی کرد و جنگید، چرا با خلفاء نجنگید و در دوره خلافت خویش ایستادگی کرد؟ چرا امام حسن علی<sup>ع</sup> به نفع معاویه از خلافت کناره گرفت و با معاویه مبارزه نکرد؟

امام حسین علی<sup>ع</sup> در مقابل حکومت معاویه سالها سکوت کرد، اما در زمان خلافت یزید ایستادگی کرد تا اینکه در کربلا شهید شد.

امام سجاد علی<sup>ع</sup> در مقابل حکام عصرش ایستادگی نکرد و حتی خواستار حکومت هم نبود. اما امام رضا علی<sup>ع</sup> با وجود اینکه خواستار خلافت نبود، ولی ولایت‌عهدی مأمون را

پذیرفت. چرا با این که امامان همگی منصوب از جانب خداوند بودند، روش‌های یکسان برای موضع‌گیری در مقابل حاکمان نداشتند؟

۲-۶. سخن در این باب و در بحث امامت به عنوان بخشی از علم کلام به صورت کامل و مستدلّ شرح داده شده است. ولی در اینجا به اختصار و در حدّ ضرورت به آن اشاره می‌شود:

۱-۶. امامت یک مقام الهی است که انتخاب از جانب خداوند صورت می‌گیرد. در این مورد، امامت با رسالت و نبوت مشترک است، با این تفاوت که در مقام امامت نزول وحی تشریعی وجود ندارد. و امام هم دقیقاً طبق دستور خداوند عمل می‌کند. پس پیامبران و امامان بی‌وقفه و در یک امتداد حرکت کرده و در سخت‌ترین حالتهای فشار و دشمنی و آزارها، به این برنامه پرداخته‌اند.

۲-۶. پرداختن به امور زندگی مادی مردم، مشروط به یاری امت است. پرداختن امام به امر زندگی مادی مردم و اداره ولايت بر آنها، زمانی امکان دارد که بستر سازی شده باشد. پیامبران - همچون امامان - در ایجاد این بستر و فراخواندن مردم کوشیده‌اند. وقتی زمینه آماده شد، منتخبان الهی می‌توانند به وظیفه خود عمل کنند. امامان معصوم برای انجام وظیفه خود نیز، نیاز به حضور مردم در عرصه نبرد دارند. پس قیام امام ربطی به امامت امام ندارد. امام، امام است، چه قیام کند و چه قیام نکند. ولی زمانی می‌تواند قیام کند که یارانی داشته باشد. و امامان وظیفه خود را به بهترین شکل ممکن انجام داده‌اند.

برای مثال امام علی علیه السلام برای امامت خود از کتاب و سنت دلیل آورد. ایشان مسلماً در اقدام به امر امامت دینی، از هیچ کوششی دریغ نکرده است، زیرا شریعت اسلامی را از رسول خدا آموزش دیده بود و در بهترین شکل نگاه داشت. حضرتش در هر موقعیت و در تمام مشکلات، حضور فعال داشته است. در دوران خلفاء به دلیل نداشتن یار و

یاور قیام نکردند. ولی بعد از درخواست مردم به سال ۳۶ هجری، پس از اینکه یارانی یافت، در مقابل فتنه‌های جنگ جمل، ستمگران جنگ صفين و بهانه جوئی‌های خوارج ایستاد و مبارزه کرد و دفاع از حق را در دولت اسلامی بنیان نهاد. آن جناب در زمانی که جنگ داخلی برپا شد، حکم ستمگران را بر اساس آنچه که از پیامبر ارش برد بود تبیین کرد. پس امام همواره حافظ دین اسلام بود.

امام حسن علیه السلام کاری کرد تا یارانش باقی بمانند. وقتی تعداد یاران کم شد، امام با ترک جنگ، از بقیه یارانش محافظت کرد تا معاویه مؤمنان را ریشه‌کن نکند. از طرف دیگر، معاویه تظاهر به اسلام می‌کرد و ابتدا به صلح با امام طبق شرایطی رضایت داد، ولی بعد از مدتی خلاف شرطها عمل کرد و پیمان شکست و چهره واقعی خود را بر ملا ساخت. همین کشف حقیقت یکی از مهمترین نتایجی بود که به دست آمد، و امام برای آن، ظلم و ستم و سرزنش و آزار دشمنان را تحمل کرد.

امام حسین علیه السلام، سال‌ها به شرایط صلح امام حسن متعهد ماند و هیچ‌گونه حرکتی ضد معاویه و حکومت او انجام نداد، ضمن اینکه در مقابل مخالفان دین هم سکوت نکرد و حریم اسلام را پاس داشت. اما وقتی معاویه پسرش یزید را به جانشینی برگزید، امام حسین با او بیعت نکرد و مجالی برای مبارزه با حاکم اموی یافت. زیرا یزید حتی به ظواهر اسلام پای‌بند نبود. پس امام حسین در برابر او ایستاد و خود را در راه احیاء اسلام فدا کرد. امام سجاد علیه السلام، از یک سوی، نفوذ یأس و نالمیدی و شکست به درون مسلمانان را دید. از سوی دیگر، واهمه مردم از ستم حاکمان بر خاندان رسول سبب شد که حضرت کسی را نیابد تا به یاریش قیام کند. پس امام سجاد علیه السلام تلاش خویش را از جهاد به سوی برنامه‌ای قوی‌تر از رویارویی نظامی معطوف داشت، اصول و فروع اسلام را محافظت کرد، امید را به مسلمانان برگرداند، و تلاش‌های جانشیان بنی‌امیه را در تحریف دین باطل کرد. امامان پس از ایشان، همین سان، به حفظ اسلام از نظر عقیدتی

و شرعی پرداختند و افراد لایق و شایسته‌ای برای تداوم اهداف الهی تربیت کردند، تا بین مردم باقی بمانند و حکام نادان نتوانند به اسم خلافت، قوانین را تحریف کنند. پس هر یک از ائمه به وظایف خویش در راه حفظ اسلام بر مبنای موقعیت و بر اساس نقش خویش، به گونه‌های مختلف و متنوع عمل کرده‌اند و با تلاش گسترده به اهداف حساب شده‌ای رسیده‌اند. البته طرف مقابل یعنی حاکمان، تلاش داشتند که در مورد ائمه، سرسرخانه خشونت به خرج دهند و از هر آزاری دریغ نکردن، مثل زندانی، تبعید و قتل و کشتار.

۳-۶. مأمون عباسی با شم سیاسی خود و نیرنگ و دغل بازی کوشید که با روش خود با ائمه برخورد کند. او به خاطر شرعی نشان دادن خلافت خویش، ابتدا با پیشنهاد خلافت و بعد با پیمان ولایت عهدی کوشید تا به هدف خود دست یابد. ولی امام با گذاشتن شرط برای پذیرش خلافت، اولاً ساحت خویش را از معصیتهای این جایگاه مبرا ساخت، ثانياً شرطها به وضوح نشان می‌داد امام با اکراه و از روی اجبار به ولایت عهدی رضایت داده است.

یکی از اهداف مأمون، ایجاد فتنه در میان یاران امام بود که چگونه ممکن است امام معصوم، ولایت عهدی خلیفه‌ای مستبد را پذیرد؟

هدف دیگرش ترساندن عباسی‌هایی بود که برادرش امین در بغداد را خلیفه می‌دانستند، با تظاهر به اینکه خلافت به علویان متهمی خواهد شد.

به این ترتیب شروطی که در پیمان نامه امام آمده است، نشان از عدم رضایت امام به پذیرش ولایت عهدی می‌دهد و این قضیه با اثبات امامت الهی ایشان منافاتی ندارد.

۴-۶. خلاصه این که تمام امامان در هر زمانی به گونه‌ای عمل کردنده که متناسب با وضعیت زمان خویش، مردم معاصر و حاکمان دوران خودشان بود. البته در همه حال، پاییندی کامل به اداء حقشان به عنوان امام داشته‌اند و وظیفه الهی خویش را تمام و

کمال انجام داده‌اند. مهمترین هدف در هر زمان، حفظ اسلام و حفظ مسلمانان از انحراف بود که به مزدوران و حاکمان ستمکار نزدیک نشوند، و برای محو کید دشمنان و اهل فتنه بکوشند.

از طرف دیگر، امامان به پیروی از رسول اکرم تلاش خود را در حفظ اسلام از نظر عقیدتی و دینی بذل کرده‌اند. در واقع هدف آنان حفظ علوم و میراث نبوی بوده است که به واسطه آن حق و صداقت و واقعیت اسلام شناخته شود و همه بشر زندگی آزادانه و کریمانه داشته باشند، زندگی‌ای که خداوند آن را اراده کرده و آن را در قرآن کریم فرو فرستاده است، پیامبران - از آدم تا خاتم - به آن مأمور شده‌اند و امامان بزرگ با خون پاک خویش آن را ترسیم نموده و اثبات کردند.

### منابع مترجم

قرآن کریم

- (۱) آذرنوش، آذرتاش و دیگران. فرهنگ معاصر عربی - فارسی، نشر نی، تهران، چاپ نهم/ ۱۳۸۷ ش
- (۲) جزایری، نعمت‌الله، ریاض الابرار فی مناقب الانتمه الاطهار، انتشارات تاریخ‌العربی، بیروت/ ۱۴۲۷
- (۳) حرماعلی، محمد، وسائل الشیعه، انتشارات آل‌البیت، قم/ ۱۴۰۹
- (۴) حسکانی، عیید‌الله، شواهد التنزیل لقواعد التضليل، انتشارات مجتمع احیاء الفقافة الاسلامیه، تهران/ ۱۴۱۱
- (۵) خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، انتشارات دوستان، تهران، چاپ دوم/ ۱۳۸۱ ش
- (۶) دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم/ ۱۳۷۷ ش
- (۷) صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران/ ۱۳۷۸ ق
- (۸) طباطبائی، سید مصطفی، فرهنگ نوین، انتشارات اسلامیه - تهران/ ۱۳۵۸ ش
- (۹) طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل‌الحجاج، نشر مرتضی، مشهد/ ۱۴۰۳ ش
- (۱۰) فیض‌الاسلام، سید علی نقی، بنادر البخار (ترجمه عقل و علم و جهل، جلد ۱ و ۲ بحار الانوار) انتشارات فقیه، تهران، بی‌تا
- (۱۱) میرزائی، نجفعلی، فرهنگ اصطلاحات معاصر، انتشارات دارالتحلیل، چاپ چهارم/ ۱۳۸۱ ش